

## نقدی بر تصحیح انتقادی جامع التواریخ\*

● مصطفی موسوی

رشیدالدین فضل‌الله همدانی، جامع التواریخ (تاریخ هند و سند و کشمیر)، تصحیح و تحشیه محمد روشن، مرکز میراث مکتوب، تهران: ۱۳۸۴.

جامع التواریخ رشیدالدین فضل‌الله در دو جلد نوشته شده است. جلد نخست آن در تاریخ مغول است که به فرمان سلطان محمود غازان خان تألیف شده و تاریخ مبارک غازی نام داشته است. جلد دوم شامل چند بخش به شرح زیر است: تاریخ جهان از آغاز آفرینش تا آغاز کشورگشائی چنگیزخان؛ تاریخ اقوام و ملل؛ صورالاقالیم در جغرافیای جهان که نسخه‌ای از آن بر جا نمانده یا تاکنون شناخته نشده؛ و تاریخ روزگار الجایتو که از آن نسخه‌ای یافت نشده است.

همان‌گونه که راقم این سطور در پیشگفتار جامع التواریخ (بخش مغول؛ ج ۱، ص ۶۱) یادآور شده و دلایل آن را بر شمرده، تاریخ اقوام و ملل این اثر مشتمل است بر تاریخ چین، هند، غز (اغوز)، بنی‌اسرائیل، پاپان، و فرنگ که دو بخش اخیر نسبت به بخش‌های دیگر این جلد حائز اهمیت بیشتری است. شرق‌شناس نامور چک، زنده‌یاد کارل یان، همه بخش‌های تاریخ اقوام و ملل جامع التواریخ را به شرح زیر منتشر ساخته است:

- تاریخ فرنگ و پاپان (لیدن، ۱۹۵۱؛ وین، ۱۹۷۷)؛
- تاریخ غز (اغوز)، ترجمه آلمانی همراه چاپ عکسی متن فارسی (وین، ۱۹۶۹)؛
- تاریخ چین، ترجمه آلمانی همراه چاپ عکسی متن فارسی و عربی (وین، ۱۹۷۱)؛
- تاریخ شاهان اسرائیل، ترجمه آلمانی همراه چاپ عکسی متن فارسی (وین، ۱۹۷۳)؛
- تاریخ هند، ترجمه آلمانی همراه چاپ عکسی متن فارسی (وین، ۱۹۸۰).

بخش تاریخ فرنگ و پاپان چاپ کارل یان به همت استاد محمد دبیرسیاقی (تهران، ۱۳۳۸) و بخش تاریخ چین آن به همت و تصحیح عالمانه دکتر وانگ ای دان، دانشمند فارسی‌دان چینی (تهران، ۱۳۷۹)، منتشر شده است.

استاد محمد روشن، پس از تصحیح و نشر تاریخ مغول جامع *التواریخ* و آماده‌سازی متن تنقیدی بخش نخست جلد دوم این کتاب (از آدم تا پایان خلفای بنی عباس)، که در آنها با وی همکاری داشته‌ام، به نشر تاریخ اقوام و ملل جامع *التواریخ* همت گماشته و تاکنون دو بخش از آن - تاریخ فرنگ و پاپان؛ و تاریخ هند و سند و کشمیر - را به نفقه میراث مکتوب در سال ۱۳۸۴ منتشر ساخته است. مصحح محترم در تصحیح انتقادی «تاریخ هند و سند و کشمیر» از پنج نسخه بهره جسته است: نسخه‌های شماره ۱۶۵۳ و ۱۶۵۴ طوب قپوسرای که عکس این هر دو نسخه را کارل یان همراه ترجمه آلمانی منتشر ساخته و نسخه ۱۶۵۴ نسخه اساس استاد روشن بوده است؛ نسخه شماره ۲۹۳۵ کتابخانه سلطان احمد ثالث که *تواریخ العالم* نام گرفته و به محمد بن محمد البخاری منسوب است؛ نسخه کتابخانه سلیمانیه، داماد ابراهیم پاشای ترکیه؛ و نسخه متأخری که به سال ۱۰۷۴ ق تحریر شده و مصحح نشانی آن را به دست نداده است.

مصحح، سوای این نسخه‌ها، چاپ عکسی متن عربی «تاریخ هند و سند و کشمیر» را نیز در دسترس داشته و از آن بهره برده است.

مصحح، در پیشگفتار (صفحات پانزده تا چهل و شش)، جامع *التواریخ* را شناسانده، نسخه‌های مورد استفاده خویش را بر شمرده، سپس ترجمه مقدمه کارل یان بر ترجمه آلمانی متن را به قلم فرانک بحرالعلومی (صفحات چهل و هفت تا پنجاه و هفت) درج کرده است.

مصحح، پس از عرضه شیوه آوانگاری خود، که در حقیقت همان آوانگاری کارل یان است، عکس شش صفحه از نسخه‌های مورد استفاده را ارائه کرده است. متن کتاب نیز ۱۹۳ صفحه است. شرح نسخه بدل‌ها (ص ۳۷۷-۱۹۷) به دنبال متن آمده و این حجم از نسخه بدل، که نزدیک به حجم متن است، نشانه دقت و کوشش و همت مصحح گرامی و نیز اختلاف‌های فراوان نسخه‌های پنجگانه کتاب است.

استاد، سپس، به شیوه مرضیه خویش، فهرست واژگان و ترکیبات متن (ص ۴۴۱-۳۷۹) را به دست داده و، به دنبال آن، فهرست آیه‌ها، عبارت‌های عربی، اشعار فارسی و عربی، و نام‌های کسان و اقوام و جای‌ها و کتاب‌ها را عرضه داشته است. اما تصحیح از هر گونه شرح و تعلیقی خالی است.

خواجه رشیدالدین از یک منبع - ابوریحان بیرونی (بی‌گمان تحقیق *ماللهند* او) - و یک راوی خود - یک بخشی (= روحانی) بودائی کشمیری به نام کماله شری (*kamāla Śrī*) - در آغاز کتاب یاد کرده است. این بخشی، به رغم آنکه بیشتر بخشیان بودائی پس از اسلام آوردن غازان خان ایران را ترک کرده بودند، در ایران مانده بود، اما مؤلف فصل چهارم کتاب در جغرافیای هند و بخش پنجم آن را - که در آن، همراه با مطالبی در جغرافیا، به پادشاهی مسلمانان در هند پرداخته شده - از منبع یا منابع دیگری برگرفته و آنچه در این فصل آمده در دو تألیف همعصر دیگر یعنی *تجزیه الامصار* و *ترجیه الاغصار* و صاف

شیرازی و *تاریخ اولجایتوی ابوالقاسم کاشانی* نیز نقل شده است. کارل یان تاریخ سلاطین دهلی را تا حدّ زیادی مقتبس از جلد سوم *تاریخ و صّاف* انگاشته است. اما استنباط او در این باب درست به نظر نمی‌رسد؛ زیرا رشیدالدّین اثر خویش را در دههٔ اول قرن هشتم هجری به پایان برده و، در متن همین بخش، به سالهای ۷۰۳ (ص ۴، ۱۰، و ۶۶) و ۷۰۵ (۷۳ و ۲۶۷) به عنوان تاریخ تألیف اشاره کرده است؛ در حالی که و صّاف، تألیف خویش را، هر چند در همان اوان آغاز کرده، در سال ۷۲۸ به پایان رسانیده است (نک. آیتی، *تحریر تاریخ و صّاف*، ص ۲) و احتمال آنکه و صّاف این بخش را از *جامع‌التواریخ* برگرفته باشد معقول تر و درست‌تر می‌نماید. اما، به گمان من، خواجه رشیدالدّین و و صّاف، هر دو، و نیز کاشانی، در *تاریخ اولجایتوی*، این مبحث را از نوشتهٔ چهارمی برداشته‌اند که متأسفانه با آنکه بسیار جسته‌ام آن را نیافته و نشناخته‌ام. آنچه کماله شری روایت کرده دو بخش بیش نیست: بخشی برگرفته از متون فرهنگ هندو و بخش دیگر برگرفته از نوشته‌های بودائی. بخش هندوی آن روایت بسیار کوتاه و ناقصی است از ابواب *مهابهاراتا* به ویژه از دو جلد نخستین آن. بخش بودائی آن نیز روایت‌های کوتاهی است از *جاتاکا*، داستان زندگی بودا، و از سوتراها در احوال بودیستوها (بوداهای بالقوه و آتی) و کردارها و گفتارهای آنان و بیشتر این سوتراها مربوط به شاخهٔ مهاییانای آیین بودائی است که در بیرون از هندوستان، از جمله در چین و تبت، گسترش یافت (بهادر مهمامهو پادهیانی سنگر، ص ۵؛ شایگان، ص ۹۰).

به رغم دقتی که استاد روشن دارد و بی‌گمان در این تصحیح نیز به کار داشته است، خطاهایی به متن راه یافته که البته بخشی از آنها را می‌توان غلط مطبعی شمرد. در اینجا، پس از سخنی کوتاه دربارهٔ آوانویسی کتاب، فهرست خطاهایی که به نظر رسید ارائه می‌شود.

مصحّح شیوهٔ آوانویسی را در صفحات ۵۹ و ۶۰ کتاب گزارش کرده است. نشانه‌گزینی برای صامت‌ها و مصوّت‌های فارسی کمابیش به شیوهٔ متداول نزد محققان آلمانی است و پیداست که آوانویسی‌ها از متن و حواشی ترجمهٔ آلمانی کارل یان برگرفته شده است. در این باره نکاتی خاطر نشان می‌شود:

- صدها نام فارسی بی‌هیچ ضرورت و نیازی در پانویس شده است؛ مانند ختای (ص ۳)؛ مجوس (ص ۶)؛ فصل، بخش، قسمت، نوبت (ص ۱۰)؛ ذراع، اصبع، مأمون، محیط، اقیانوس، شعیر (ص ۱۳)؛ هندوستان (ص ۱۴)؛ ابوریحان، کابل، خراسان، آذربایجان، غور، چین، سودان (ص ۱۵)؛ جرجان، الله (ص ۱۶)؛ ایران (ص ۲۲ و ۳۷)؛ شام، روم، خراسان، عبدالرحمن، شیخ جمال‌الدّین، ملک تقی‌الدّین، عراق (ص ۴۰)؛ جمال‌الدّین ابراهیم (ص ۴۱)؛ اسلام، آدم (ص ۴۷).

- در برخی موارد آوانویسی نادرست است یا شیوهٔ گزیده شده برای آوانویسی رعایت نشده است؛ مانند **قیس**، که معرّب کیش (جزیرهٔ معروف ایرانی) است، دو بار Kais (ص ۳۶، ۴۲) ضبط شده اما در جایی که معرّب قیش بوده درست و به صورت k□iš آمده است (ص ۷۱). **چین** گاه به صورت Cīn گاه به صورت Cīna آوانویسی شده است (ص ۱۵، ۲۰، و ۲۹).

- به‌رغم آنکه در آوانویسی برای «ش» از نشانه Š استفاده شده، گاه در آوانویسی به جای آن از sh استفاده شده است (ص ۱۷). همچنین Ğ و q هر دو برای «غ» اختیار شده؛ در عین حال «غ» گاه با gh آوانویسی شده (ص ۱۷).

- در آوانویسی و شاید ایضاً «پادافراه کنند» در پانوشت این آوانویسی آمده است: (؟) Ardaširpak (ص ۴۷، نشانه پرسش از آنِ مصحح است).

- جلیم (نام رود؛ در زبان هندی، جھيلم Ğailam (Jhilam) آوانویسی شده (ص ۲۹) در حالی که نشانه Ğ برای «غ» اختیار شده است نه برای «ج». اینک به خطاهایی که به متن راه یافته می‌پردازیم.

### ص ۳، س ۳ و ۹: جتر جوک

\* این کلمه، در پانوشت، براساس ترجمه کارل یان، درست آوانویسی شده و در صفحه ۶ نیز به صورت جتر جوگ ضبط شده ولی درست آن چتر جوک است مرکب از چتر (= چتور čatur) در زبان سنسکریت به معنای «چهار» و یوگا (Yuga) که غیر از Yoga، نام مکتبی فلسفی، اما هم‌ریشه با آن است) مجموعاً به معنای «عمر یا دوران چهارگانه جهان»<sup>۱</sup>. این کلمه در تحقیق مالهند (ص ۳۰۹) به صورت چتر جوک (= چتر جوگ) ضبط شده است.

### ص ۵، س ۱۵: باتنکل<sup>۲</sup>

\* مؤلف به خطا پاتنجل را معرب پاتنگل فرض کرده است. به هر حال، با توجه به اینکه «گ» به صورت «ج» معرب می‌شود نه «ک»، ضبط درست آن پاتنگل است. این نام در تحقیق مالهند بارها (از جمله ص ۲۰، ۵۲، ۵۳) و همواره پاتنجل ضبط شده است.

### ص ۶، س ۹: طبیات قدیم نباشد مگر محدث ...

\* ضبط درست محدث است به معنای «نوپدید»، متضاد قدیم.

### ص ۷، س ۱۹: سی و شش هزار شب کُلی...

\* کَلپَ (kalpa) در فرهنگ هندو یک روز برهمنی است برابر با ۴۳۲۰۰۰۰ سال (Dowson, p. 143). این کلمه، با آنکه در صفحات پیشین درست آوانویسی شده، در اینجا نادرست حرکت‌گذاری شده است.

### ص ۸، س ۲: ادوار مذکور که به سیاق هندسه حساب کرده‌اند...

\* درست آن چنین است: ... به سیاق هندسه حساب کرده‌اند. رشیدالدین سه مدت حساب شده را در دنبالهٔ مطلب آورده است.

### ص ۱۰، س ۳ و ۴: حکیمی از ایشان که او را برهمگون<sup>۳</sup> می‌گویند ...

\* آوانویسی این کلمه در پانوشت Brahmagupta آمده است. در تحقیق مالهند برهمگوب (= برهمگوب) ضبط شده است.

### ص ۱۸، س ۱: برشاوَر

\* همان‌گونه که در پانوشت آوانویسی شده همچنین در ص ۲۹، س ۴ آمده، ضبط **پُرشاوَر** درست است و آن نام کهنِ شهرِ پیشاوَر کنونی پاکستان است که در متون به صورت فرشاوَر هم آمده است (تاریخ جهانگشای، ج ۱، ص ۱۱۱-۱۰۹؛ جامع‌التواریخ، ص ۵۲۹، ۵۳۰).

### س ۲: ... در آب سند می‌افتد پیش قلعهٔ **بیتورثیبت** [و آن] شهر **قندهار**...

\* بر اساس تحقیق **ماللهند** (ص ۲۱۵)، «پیش قلعهٔ بیتور، **ثیب** شهر قندهار» درست و [و آن] زاید است؛ يقع إلى ماء السند عند قلعة **بیتور اسفل** مدينة القندهار.

### س ۸: **نهر کوت**

\* این کلمه در پانوشت Nagar kot آوانویسی شده است. در تحقیق **ماللهند** (ص ۲۱۶) **نَغْرکوت** آمده و همین ضبط درست است.

### ص ۱۹، س ۱۶: **لادنی**

\* این کلمه در پانوشت (?) Hradini آوانویسی شده و در تحقیق **ماللهند** لادِن آمده است.

### س ۱۶: **باوت**

\* این کلمه به صورت pāvani آوانویسی شده است و در تحقیق **ماللهند** (ص ۲۱۷) **پاَوَن** ضبط شده و ضبط درست آن **پاَوَن** است.

### س آخر: **همسنت** [کوه]

\* نام این کوه در پانوشت Himavant آوانویسی شده، ولی در تحقیق **ماللهند** (ص ۲۱۷) **هِمَمَنَت** ضبط شده و درست همین است.

### ص ۲۰، س ۱: **سلک**

\* این کلمه آوانویسی ندارد و در تحقیق **ماللهند** به صورت **سَلِل** ضبط شده است.

### س ۱: **چین**

\* این کلمه به صورت Cīna آوانویسی شده، اما در تحقیق **ماللهند** **چَیْن** (čayna) ضبط شده است.

### س ۱: **حیره**

\* آوانویسی این کلمه به صورت Yavasa آمده، ولی در تحقیق **ماللهند** **جَبَر** ضبط شده است.

### س ۲: **سنگرنت**

\* این کلمه نادرست به صورت Sangaranta آوانویسی شده است. در تحقیق **ماللهند** **سَنگَوَنَت** ضبط شده است.

### س ۳: **کاج**

\* این کلمه به صورت (?) Kāca آوانویسی شده و در تحقیق ماللهند **کاچ** آمده است.

#### س ۴: باروانجت

\* این کلمه در پانوشت Barvan(at) آوانویسی شده، ولی در تحقیق ماللهند به صورت **باروانجت** آمده است.

#### س ۶: سیپور

\* این کلمه به صورت Šivapaura آوانویسی شده، اما ضبط تحقیق ماللهند **سیپور** است.

#### س ۶: اندرمرو

\* این کلمه در متن بیان و پانوشت محمد روشن به صورت Indramaru آمده، اما در تحقیق ماللهند **اندر و مرو** (نام دو جای) ضبط شده است.

#### س ۶: بسات

این کلمه به صورت Sabāti آوانویسی شده اما صورت درست آن در تحقیق ماللهند به صورت **بسات** آمده است.

#### س ۷: مورن

\* این کلمه به صورت (?) Mruna آوانویسی شده، ولی در تحقیق ماللهند **مرون** آمده است (علامت سؤال جلو آوانویسی زاید است).

#### س ۸: کندهرت

\* این کلمه در آوانویسی Gandharv ضبط شده، اما در تحقیق ماللهند **گندهرب** آمده است.

#### س ۸: راسکن

\* این کلمه به شکل Rāsakīn آوانویسی شده، ولی در تحقیق ماللهند به صورت **راکشس** ضبط شده است.

#### س ۸: بلادر

\* این کلمه به صورت Baladar آوانویسی شده، اما در تحقیق ماللهند **بداذر** ضبط شده است.

#### س ۸: اوراکان

\* این کلمه در پانوشت به صورت Awārkan آوانویسی شده، ولی در تحقیق ماللهند به صورت **اورگان** آمده است.

#### س آخر: زمین کپت ...

\* این کلمه را یان با تردید kupata آوانویسی کرده، اما در تحقیق ماللهند **کبت** ضبط شده است.

ص ۲۱، س ۷: پس برآن [نام رود]

\* یان این نام را به صورت Basanaparān آوانویسی کرده، اما در تحقیق ماللهند **بشن پیران** ضبط شده است.

**ص ۲۳، س ۱:** قنوج ... بر شرقی **شهر جرن** افتاده...

\* در تحقیق ماللهند (ص ۱۵۸) چنین آمده است: کَنوج ... اشتهر باولاد «پاندو» ... و هی علی غرب<sup>۴</sup> **نهر جون**. به هر روی، **نهر جون** درست است.

**س ۴:** **آب کنک**

\* **گنگ** نادرست و **گنک** (نام رود معروف) درست است.

**س ۱۰:** **حجَمو**

\* این کلمه در پانوشت (؟) Kark آوانویسی شده، ولی در تحقیق ماللهند (ص ۱۵۹) **جَجَمو** ضبط شده و همین ضبط درست است.

**س ۱۲:** **برهمشک**

\* آوانویسی این کلمه به دست داده نشده و در تحقیق ماللهند (ص ۱۵۹) به صورت **بَرَهْمَشیل** آمده است.

**س ۱۴:** **پِراگی**

\* این کلمه که در پانوشت به صورت Prayāga آوانویسی شده در تحقیق ماللهند (ص ۱۵۹) **پِریاگ** ضبط شده است.

**س ۱۷:** **اوردبَنسِق**<sup>۵</sup>

\* این کلمه که در پانوشت به صورت Urdabishua آوانویسی شده در تحقیق ماللهند (ص ۱۵۹) به صورت **اُورْدَبِیشَو** آمده است.

**ص ۲۴، س ۳:** گنگ بر شرقی آن تا **آخر دهد** بیست و پنج فرسنگ ...

\* **آخر دهد** که در پانوشت به صورت agodhyā(oudh) آوانویسی شده و تحقیق ماللهند (ص ۱۵۹) **اَجُودَهه** [= نام شهری] آمده است.

**ص ۲۵، س ۵:** **حجاهوتی**

\* صورت درست این کلمه مطابق آوانویسی در پانوشت و ضبط تحقیق ماللهند (ص ۱۶۱) **حجاهوتی** است.

**س ۹:** **راجوری**

\* این نام را یان Rajauri آوانویسی کرده، اما در تحقیق ماللهند (ص ۱۶۱) **راچُوری** آمده است.

**ص ۲۶، س ۱:** **معار**

\* آوانویسی این کلمه در پانوشت به صورت *Maiwar* است، اما در تحقیق *ماللهند* (ص ۱۶۱) به صورت **میفار**<sup>۶</sup> (= میوار) ضبط شده است.

### س ۵: کند

\* این کلمه در آوانویسی *Kand* ضبط شده، اما در تحقیق *ماللهند* (ص ۱۶۲) **کندهو** آمده است.

### س ۶: نرُدا

\* آوانویسی این کلمه در پانوشت به صورت *Nerbudda* (*Narmadā*) است، اما تحقیق *ماللهند* (ص ۱۶۲) ضبط **نرمد** را دارد.

**ص ۲۷، س ۵:** ... کرگدن است و در **سفاله‌الریح** بسیار است و **کرک** را به زبان [زنج] **امپِیلا**

گویند.<sup>۷</sup>

\* **سفاله‌الریح** در پانوشت فقط به صورت *Sufalah*، **کرک** به صورت *Kark* و **امپِیلا** به صورت

*Impi* آوانویسی شده است. تحقیق *ماللهند* (ص ۱۶۳) صورت‌های **سفاله‌الزنج** و **انپِیلا** را دارد.

### س آخر: انلهواره

\* آوانویسی این نام درست و به صورت *Anhilvārah* ضبط شده است و تحقیق *ماللهند* (ص ۱۶۴)

نیز ضبط **انلهواره** را دارد.

### ص ۲۸، س ۱: دهنجور

\* ضبط درست این کلمه، همان‌گونه که در آوانویسی آن در پانوشت (*Rihanjūr*) و در تحقیق

*ماللهند* (ص ۱۶۴) آمده، **رهنجور** است.

**س ۹:** تا **دهماکه** قصبه چالندهر پیش **سَفج کوه** هجده فرسنگ ...

\* ضبط درست **دهماکه**، مطابق آوانویسی (*Dhamāla*)، **دهماله** و ضبط درست **چالندهر**، بنا بر

آوانویسی درست آن (*Jalandhar*)، **چالندهر** است. **سَفج کوه** (سَفج = براکوه: تاج‌الاسامی، ص

۲۴۲: تحقیق *ماللهند*، ص ۱۶۴) نیز ضبط درست **سَفج کوه** است.

### س ۱۳: پانیست

\* بنابر آوانویسی پانوشت (*Pānepat*) و تحقیق *ماللهند* (ص ۱۶۵) **پانیپت** درست است.

### س ۱۴: کومیک

\* بنابر آوانویسی پانوشت و ضبط تحقیق *ماللهند* (ص ۱۶۵) **کوتیل** درست است.

### س ۱۵: ارت‌هور

\* این نام در پانوشت *Adittahaur* و در تحقیق *ماللهند* (ص ۱۶۵) **آدت‌هور** ضبط شده و صورت

درست همین است.

### ص ۲۹، س ۱: حجه نیر



\* آوانویسی این نام در پانوشت Jajjanir آمده و ضبط تحقیق ماللهند نیز **جَجْنیر** است.

### س ۳: ما بیت

\* این نام در پانوشت Biyatta آوانویسی شده و تحقیق ماللهند (ص ۱۶۵) ضبط درست آن، **ماءِ**

**بیت** (= رود بیت)، را دارد.

### س ۹: سکان شاه

\* این نام در آوانویسی به صورت Šugnanšah و در تحقیق ماللهند (ص ۱۶۵) به صورت **شکنان**

[= **شگنان**] شاه ضبط شده است.

### ص ۳۰، س ۱: ما، مهوی

\* مطابق ضبط تحقیق ماللهند (ص ۱۶۶)، **ماءِ مهوی** [= رود مهوی] درست است.

س ۹: از غایت برودت حرارت آفتاب برف را **بگدازد**.

\* **نگدازد** درست است: برودت مانع آب شدن برف می‌شود. وانگهی، در تحقیق ماللهند (ص ۱۶۶)

نیز «**لاتذوب ثلوجها**» ضبط شده است.

### س ۱۶: کوههای امک ...

\* این کلمه در پانوشت Unang آوانویسی شده است. در تحقیق ماللهند (ص ۱۶۶) هم **اَنگ**

ضبط شده و همین درست است.

### ص ۳۱، س ۱: کوه لارجک، ...

\* آوانویسی این نام در پانوشت Kulārjāk است. در تحقیق ماللهند (ص ۱۶۷) نیز **جبل کلارجک**

آمده و همین درست است.

س ۲: دایماً از حدود **کشمیر** و لهاور آن را معاینه توان دید.

\* عین عبارت در تحقیق ماللهند (ص ۱۶۷) چنین است: و یرى دائماً من حدود **تاکیشر** ولوهاور.

بنابراین، **تاکیشر** درست است.

### س ۱۳: و خورشید غب است.

\* این عبارت در تحقیق ماللهند (ص ۱۶۷) چنین آمده: **الخور** هو شبه **الغَب**. **خَوْر** و **غَب**، هر دو،

در فرهنگ‌ها «زمین پست» معنی شده است. همچنین **خَوْر** «شاخی از دریا» و **غَب** «ایستادن‌گاه آب»

معنی شده است. در اینجا مراد از **خور** آن پاره از ساحل است که به هنگام مد زیر آب می‌رود. **غَب** نیز

به معنای «زمین پست» است. صورت درست عبارت چنین است: و **خور شبه غب** است.

### س آخر: کج

\* این نام به صورت Kacch (= Kač) آوانویسی شده و در تحقیق ماللهند نیز **کج** ضبط شده

است.

ص ۳۲، س ۳: و تا کج [درست: کج] معدن **نقل و باوروی** شش [فرسنگ] ...

\* این دو کلمه در پانوش **Nukl** و **Baroi** آوانویسی شده است. ضبط و آوانویسی، هر دو، نادرست است زیرا در تحقیق **ماللهند** (ص ۱۶۸) چنین آمده: وَ إِلَى كَجِ مَعْدِنِ الْمَقْلِ وَ بَارَوِي سْتَه ... **مُقل** نام درختی یا، دقیق تر، صمغ آن است که کاربرد داروئی داشته است (**نعت‌نامه** دهخدا).

ص ۳۳، س ۹: **سوزن دیپ**

\* ضبط **سوزن دیپ** مطابق آوانویسی در پانوش است. صورت درست آن **سورن دیپ** است که در تحقیق **ماللهند** آمده است.

ص ۳۴، س ۵: **شوخط**<sup>۸</sup>

\* این کلمه در پانوش به صورت **Šuhat** [ح=h] آوانویسی شده و تحقیق **ماللهند** (ص ۱۶۹) نیز صورت درست **شوخط** را ضبط کرده است.

س ۱۵: از پیرامون کوه‌های کشمیر تا به **تیه** جودری...

\* **تیه** (به معنای بیابان) در اینجا نادرست است. در تحقیق **ماللهند** (ص ۱۷۰) این کلمه به صورت **ثتیه** (به معنای عقبه و گردنه) ضبط شده و درست هم همین است.

ص ۳۸، س ۱۷ و ص ۳۹، س ۲ و ص ۴۳، س ۲: **سمنی**

\* این واژه در پانوش به صورت **Samani** آوانویسی شده است این ضبط و آوانویسی آن، هر دو، نادرست است. صورت درست این کلمه **سمنی** و در اینجا به معنای بودائی است. این واژه در تحقیق **ماللهند** بارها به صورت **سمنیه** آمده است (ص ۱۵، ۳۰، ۹۳). این واژه در متون فارسی به صورت **سمنیه** هم آمده است، اما مؤلف **جامع‌التواریخ** از بیرونی نقل کرده و، چنانکه دیدیم، ضبط بیرونی **سمنیه** است. ص ۴۴، س ۱: نواب قآن (قوبیلای) مغول و مسلمانی و **ختای** و **الغوری** آنجا (خیتم چین) حاکم‌اند...

\* **الغور** در پانوش **Gūren** آوانویسی شده که نادرست است.<sup>۹</sup>

ص ۵۲، س ۱: کوه **حود**؛ **مسوره**؛ **حاکندر**

\* ضبط‌های درست به ترتیب چنین است: **جود** (**تاریخ فیروزشاهی**، ص ۷۰؛ **منتخب‌التواریخ**، ج ۱/ ص ۶)؛ **سودره** (*The History of India, vol. VII, p. 234*)؛ **جالندر** (**جالندهر**) (تحقیق **ماللهند**، ص ۱۶۴؛ **منتخب‌التواریخ**، ج ۱، ص ۱۷۸، ۲۰۴).

س ۲: **خحون**

\* این نام در پانوش به صورت **Hun** آوانویسی شده است. ضبط **مصحح** و آوانویسی، هر دو، نادرست است. صورت درست **ججوت** (*The History of India, vol. I, p. 384*) است که در تحقیق **ماللهند** (ص ۱۶۱) آمده و آن صورت دیگری است از نام شهر **ججاهوتی** که پیشتر آمده است.

## س ۲: اچه

\* ضبط درست این نام **اچه**، شهری در مُلتان، است که در منابع به صورت Uch و Uchh ضبط شده است (The History of India, vol. I, p. 225, vol. II, p. 240; vol. V, p. 211).  
منتخب‌التواریخ، ج ۱، ص ۳۱، ۳۸).

## س ۳: بترنده؛ حجنر

\* ضبط درست این دو نام به ترتیب چنین است: **تبرند** که گونه‌ی دیگری است از نام شهر **تبرهنده** (منتخب‌التواریخ، ج ۱، ص ۲۷)؛ **حجنر** (ضبط تحقیق ماللهند: **ججنیر**) که شرح آن گذشت.

## س ۵: سلحت

\* این واژه در تحقیق ماللهند (ص ۱۶۰) به صورت **ثلبهت** آمده و همین ضبط درست است.  
**ص ۵۴، س ۳:** کمس را انفت آمد که تا با **سدیو** میان مردم کشتی گیرد...  
\* **سدیو**، به رغم آوانویسی Basdew، نام فرض شده که نادرست است. نام **باسدیو** است، بنابراین ضبط درست عبارت چنین است: ... تا با **باسدیو** میان مردم کشتی گیرد...

## س آخر: حدشتر

\* این نام در پانوشت به صورت Yudis□thira آوانویسی شده و در واقع صورت سنسکریت است. این نام در زبان اردو به صورت **یُدِهشتر** ضبط شده؛ اما گویا «ی» در سنسکریت در برخی از زبان‌های متأخر هندی به «ج» بدل شده که، در اینجا و ترجمه‌ی **مهابهاراتا**، این نام به صورت **جُدشتر** نقل شده است (مهابهاراتا، ص ۶۱: هندو کلاسیکل دکشنری).

## ص ۵۶، س ۵: پشادر

\* بر طبق آوانویسی (Peshāwar)، ضبط **پشاور** (گونه‌ی دیگری از **پُرشاور**، پیشاور کنونی) درست است.

## س ۹: نگین‌آباد

\* ضبط درست این محل **تگین‌آباد** است که نام جای معروفی است و در متون متعدد آمده از جمله در تاریخ بیهقی.

## ص ۵۶، س ۱۰: تکش

\* ضبط درست این نام **تگش** (یکی از خوارزمشاهان معروف) و در ترکی به معنای «عوض» و «بدل» است (جامع‌التواریخ، ج ۱، ص ۳۴۴، ۳۴۷).

## ص ۵۷، س ۹: حسین برادر خود سام را بر دار کرد...

\* حسین بهرام شاه غزنوی را بر دار کرد نه برادر خویش، سام. را. ظاهراً نسخه بعد از عبارت «سام را» افتادگی دارد.

ص ۶۰، س ۱۶: در حمایت حوزه مملکت و محافظت بهجت و آیین سلطنت... آثار صرامت... به اظهار رسانید...

\* در این عبارت، به نظر می‌رسد بهجت مصحف نهجت (= راه و روش) باشد.

ص ۶۱، س ۶: رضیه را خود جلال‌الدین که سمتی مرضیه داشت ...

\* سمتی در اینجا مصحف شیمتی (= خلق و خویی) است. در تاریخ و صاف (ص ۳۱۰) و تاریخ اولجاتیو (ص ۱۸۵)، در همین مضمون، شیمتی آمده است.

س ۱۴: ولایت [خیبر] که سرحد [ولایت] دهلی بود ...

\* این نام جغرافیائی در تاریخ اولجاتیو (ص ۱۸۵) جننیر و در تاریخ و صاف (ص ۳۱۰)، ججیز ضبط شده؛ اما، در تاریخ هندوستان (The History of India, vol. V, p. 244) و در تاریخ فیروز شاهی (ص ۱۳۰) ججر و در منتخب التواریخ بداؤنی (ج ۱، ص ۱۶۹؛ ج ۲، ص ۲۷)، جهجر آمده است. ضبط درست ججر یا، دقیق‌تر، جهجر است. ضبط نادرست خیبر ظاهراً از کارل یان است که آن را، در ترجمه خود، H□aibar (= خیبر) ضبط کرده است.

ص ۶۲، س ۳: عرق غدر که چون حلق و جعد بریده باد نافض شد ...

\* نافض در اینجا مصحف نابض است: عرق نابض = رگی که می‌تپد.

س ۸: الغ خان، چون ملک از مخالفان و معارضان پاک کردند، خود بر سریر سلطنت پای نهاد ...

\* کردند در اینجا نادرست و گردید درست است.

ص ۶۳، س ۱: به جای خداوندزاده برعندی ...

\* بر طبق آوانویسی (Bargandi)، برعندی درست است. برغند نام قلعه‌ای بوده است در ولایت غور افغانستان (برای آگاهی بیشتر، نک. طبقات ناصری، ج ۱، ص ۳۲۷، تعلیقات عبدالحی حبیبی).

س ۲۰: تسکین حاش و دفع پرخاش لشکریان را ...

\* در این عبارت، بی‌گمان جاش درست است به معنای «آنچه بطپد از دل چون مردم بترسند» (تاج‌الاسامی، ص ۹۸).

ص ۶۵، س ۶: در کنار آب چون ملاقات عسکرین افتاد، جون نهر بین الفریقین حامل و مانع

بود...

\* آشکار است که چون و جون جابه جا شده‌اند: جون نام رودی است (The History of India, vol. II, pp. 42, 52, vol. VI, p. 215)

س ۱۴: به بل، به دست عقوق سر وفا و مردمی را پست بیرید...

\* پیداست که به بل نادرست و نه بل (= نه بلکه) درست است.

ص ۶۶، س ۱۸: قتلخ خواجه پسر دوا این براق...

\* ضبط درست **دوا ابن براق** است: **دوا پسر براق** و قتلخ خواجه پسر **دوا** بوده است (جامع‌التواریخ، ج ۱، ص ۷۵۴، ۷۵۸).

**ص ۶۷، س ۲:** و تسویت صفوف **کرده** و یمین و یسار را محتشد نداشته بر ایشان زد ...

\* به قیاس «محتشد نداشته»، «تسویت صفوف **ناکرده**» درست است: «تسویت صفوف ناکرده و یمین و یسار را محتشد نداشته» گروه قیدی در وجه وصفی است.

**ص ۶۹، س ۱۹:** بعد از ایشان چند ال‌اند که مردم عوام و **حمیری** و نظارگی و حرافیش و لولی و **نویی** اند ...

\* احتمالاً **حمیری** مصحف **جمری** به معنای «عوام و ولگرد» باشد. **نویی** نیز شاید مصحف **نوبی** (منسوب به **نوبه** در شمال افریقا که اهل آن را به بردگی می‌برده‌اند) باشد.

**ص ۷۰، س ۳:** **ماهی‌شور**

\* با توجه به آوانویسی در این صفحه و صفحه ۶۹ (Mahešvara)، صورت نوشتاری این نام باید **ماهیشور** باشد.

**ص ۷۱، س ۱۹:** **ورداتابیت**

\* با توجه به آوانویسی (Vardhana dipa)، ضبط درست در جامع‌التواریخ **وردانا تیب** (= وردانا تیب) است.

**س ۲۱:** **شنکله‌ورسه**

\* با توجه به آوانویسی (Sangikavarma)، ضبط درست نام **سنگکه‌ورمه** است.

**ص ۷۴، س ۶ و ۷:** **تاچاغ** (فرمان) **منکگوقآن**، **باز او لشکری فرستاد. مقدم ایشان.** سالی **نویان و تکودار...**

\* ضبط درست عبارت چنین است: «**تاچاغ منکوقآن**، **باز او لشکری فرستاد مقدم ایشان** [در اینجا نقطه زاید است] سالی **نویان و تکودار**». همین ضبط درست **تگودار** (Tagüdar) در جامع‌التواریخ (بخش مغول) نیز اختیار شده است (نک. ج ۲، ص ۹۶۷، ۱۰۷۰، ۱۰۷۱).

**ص ۷۵، س ۱۵:** **اندر گفت این کار به من نیست از من بزرگتر هستند فرشتگان. گفتند ایشان را هم تو شفاعت کن...**

\* نقطه بعد از «**فرشتگان**» زاید است. ضبط درست عبارت چنین است: ... از من بزرگتر هستند. **فرشتگان گفتند: ایشان را هم تو شفاعت کن.**

**ص ۷۶، س ۳:** **خاتونش به خواب دید که ما را التقام نمود و حامله شد...**

\* ضبط درست این است: **خاتونش به خواب دید که ما را التقام نمود [یعنی ما فرو بُرد، بلعید] و حامله شد ...**

ص ۸۳، س ۲۱: **اَندَر**

\* این صورت ضبطِ نادرستِ نامِ **ایندرا** (Indra)، خدای هندی و ایزد زردشتی، است (نک. یشت‌ها، ج ۲، ص ۲۹؛ ۱۶۶، p. *Sans. Dic.*)

ص ۸۴، س ۳: **برهما** را ... پسری بود نام او **دالک**.

\* در پانوشت این صفحه معلوم نیست آوانویسی *Sundaravati* متعلق به کدام کلمه است. این نام در همین صفحه و صفحه ۸۵ به صورت **اَدالک** ضبط شده اما *Uddālaka* آوانویسی شده و معلوم نیست مصحح کدام ضبط را درست، یا حتی مرجح، دانسته است: **دالک** یا **اَدالک**.

ص ۸۷، س ۱۱: در عهد این پادشاه در **لنقاير** در جزیره‌ای از دیار هند...

\* با توجه به آوانویسی کارل یان، نام ولایت باید **لنقا** یا **لنکا** باشد نه **لنقاير**. ضبط درست عبارت چنین است: ... در **لنقا بر** در جزیره‌ای...

ص ۸۹، س ۷: **رمدکن**

\* این نام بر طبق آوانویسی، فارسی شده **جمدگانی** (*Jamadgāni*) است. بنابراین ضبط درست **زمدگن** یا **ژمدگن** است. این نام در ترجمه فارسی *مهابهاراتا* (ج ۱، ص ۶۱) **جمدگن**، و در *کلاسیکل دکشنری* (ص ۱۰۰) و دیگر منابع اردو و هندی (بهادر مهمامهو پادهیائی شنکر، ص ۵۸؛ Mackenzi, p.180)، **جمدگنی** آمده است.

س ۱۲: **رمد**

\* **رمد** کوتاه شده **رمدگن** است. بنابراین، ضبط درست آن **زمد** یا **ژمد** است.

س ۱۶: **بارت**

\* **بارت** همان *مهابهاراتا* است.

س ۱۸: **قور**

\* آوانویسی یان (*Kuru*) نادرست و درست آن *Kaura* است (نک. *مهابهاراتا*، ج ۱، ص ۳).

ص ۹۰، س ۱۴: **صد من برنج و صد عدد چوب به پسران صدگانه (دادند) که زود بپرید و**

بیاورید ...

\* **بپرید** نادرست و **بپزید** درست است.

ص ۹۴، س ۲۲: **و به سیاحت غور و نجد و کوه و هامون می‌پیموندند ...**

\* ضبط درست عبارت چنین است: **و به سیاحت [و] غُور نجد و کوه و هامون می‌پیموندند ...**

ص ۱۰۲، س ۱۵: **ایشان رنود و اوباش [خمری و زنکاری و عکاری و خرافی] باشند.**

\* **خمری** مصحف **جمری** است که پیشتر بدان اشاره شد؛ **زنکاری** احتمالاً مصحف **زبطاری**

(منسوب به زبطره روم، شهری بین ملطیه و شمیساط) است؛ **خرافی** شاید مصحف **جرافی** (منسوب به

**جِراف**، نام دشتی در عربستان) باشد (نک. فرهنگ نفیسی؛ معجم‌البلدان، ج ۳؛ ابن منظور، ج ۶ ص ۱۴).

**ص ۱۰۳، ۱۰۴**، پس از برای این **دعوت‌ها** و **عجب و منی و شاکمونی** ایشان را اهل ابلیس خوانده است و خود این **دعوت‌ها** نکرده است.

\* ضبط درست این عبارت چنین است: پس از برای این **دعویها** و **عُجَب و منی شاکمونی** ایشان را اهل ابلیس خوانده است و خود این **دعویها** نکرده است.

**ص ۱۱۱، ۱۲ و ۱۵: اختاجی**

\* ضبط درست **اختاجی** است. - چی (čī-) در زبان ترکی پسوند فاعلی است (نک. جامع‌التواریخ، ج ۳، ص ۲۲۸۶).

**ص ۱۱۲، ۱ و ص ۱۱۶، ۱۸: شاریک**

\* صورت درست این کلمه **شاریل**، مغولی شده **چاریرا** (Čarira) در سنسکریت، است به معنای «بقایای مقدس، یادگار مقدس، یا خاکستر جسد بزرگان در آیین بودا» (نک. Deorfer, vol.1, p.354).

**ص ۱۱۷، ۶: س** دخترى بود و او **کله‌ای** فراخ شاخ داشت...

\* صورت درست این کلمه **گله** است.

**ص ۱۲۱، ۲: س آخر: تکر دلذر**

\* با توجه به آوانویسی (Nagara avalambika)، **نگر** درست است.

**ص ۱۲۷، ۲ و ۲۱ و ۱۲۸، ۱: س** به ترتیب: **نند** (آوانویسی: Nanda)؛ **بند؛ یندو**

\* این هر سه نام یک تن است. بنابراین، ضبط **نند** بیشتر با آوانویسی مطابقت دارد. ضبط دقیق‌تر **ننده** یا **نندا** باید باشد.

**ص ۱۳۰، ۸ و ص ۱۳۲، ۱۳: س** به ترتیب: **صفرو؛ ضیرو**

\* با توجه به آوانویسی (Samjiva) و به قرینه موارد مشابه دیگر، ضبط فارسی باید **سمزو / صمزو** باشد.

**ص ۱۰ و ص ۱۳۴، ۵: س** به ترتیب: **اویس، اویش**

\* اصل سنسکریت این دو در پانوشته به صورت **Aviči** آوانویسی شده است و ضبط درست آن باید

**اویش** باشد (The Seeker's Gloss., p.60)

**ص ۱۳۱، ۹: س** مانند سحاب که چندانکه امکان علو او باشد **پرورد** و آنگاه بر سر خلایق باران

رحمت شود.

\* بر طبق نسخه کتابخانه ملی (برگ ۵۳۱)، **پرورد** نادرست و **برود** درست است.

س ۱۲: از بهر آنکه پروموی (?) سه جهانی، جهان بالا، و میان و شیب ...  
 \* بر طبق نسخه کتابخانه ملی (برگ ۵۳۱)، درست این عبارت چنین است: از بهر آنکه سروری  
 و واسطه میان جهان بالا و جهان شیب و جهان جسمانی و جهان روحانی و جهان  
 شیطانی و جهان رحمانی...

ص ۱۳۵، س ۱۵: آن زن را که دوست داشته باشد بر بالای درخت بیند و چون خواهد بالا رود  
 ... خارها در اندام او خلد و چون او بر بالا رود، زن به زیر درخت بماند...

\* بماند نادرست و نماید (= جلوه‌گر شود) درست است.

ص ۱۳۶، س ۲: در دوزخ بیشه‌ای است، استرون نام ...

\* ضبط درست تیه است، همان‌گونه که در سطر ۹ همین صفحه هم آمده است.

ص ۱۳۷، س ۲: هر که قهار و سخت‌دل... باشد او در دوزخ به امان باشد.

\* هیچ کس در دوزخ نمی‌تواند به امان باشد. ضبط درست بامان است که نام دوزخی است.

ص ۱۳۸، س ۷: او در تناسخ دیوی شود که نام او قنیوتن باشد.

\* با توجه به آوانویسی (Kataputana)، ضبط قتیوتن درست است.

ص ۱۳۹، س ۱۷: کسی که انواع حیوانات می‌کشد ... بعد از مرگ و بوی شود که او را [راکس]

می‌خوانند.

\* بوی نادرست و دیوی درست است و راکسس (Raksasa) در آیین بودا نام دیوی است که

اندام سیاه و موی سرخ و چشم سبز دارد (The Seeker's Gloss., p. 626).

ص ۱۴۰، س ۱۱: اگر از او خرده و صغیره در وجود آید، بعد الموت بری گردد...

\* بری نادرست و ضبط پری درست است؛ زیرا سخن از آن است که آدمیان به پاداش کردارشان

در تولد بعدی به چه صورتی در می‌آیند.

ص ۱۴۴، س ۲: دیگر کسی که علوم یکسان می‌آموزاند.

\* یکسان نادرست و به کسان درست است.

ص ۱۴۷، س ۸: شامور مهارارک کاتل

\* با توجه به آوانویسی (Čatur maharajika)، شاتور مهارازک درست است. در نسخه

کتابخانه ملی (برگ ۵۳۲) ستور مهارازل کابل ضبط شده است.

س ۱۵: و دیگران را به خیر و رغبت تحریض کند ...

\* بر طبق نسخه کتابخانه ملی، «و دیگران را به خیر ترغیب و تحریض کند» درست است.

ص ۱۵۰، س ۱۲: شاکمونی گفت: شمشیر برهنه برنده سخن سخت و بد است و زهر دیدار

خوبان و شاهدان ...



\* ضبطِ درست «... زهرُ دیدارِ خوبان و شاهدان...» است.

ص ۱۵۲، س ۴: آن کیست که همه خلق را گرفته است.

\* بر طبق نسخهٔ کتابخانهٔ ملی (برگ ۵۳۳)، «همه خلق را گرفته است» درست است.

ص ۱۵۵، س ۱۳: یک هزار پرش باشد و همه دنیا باسرها دارد...

\* بر طبق نسخهٔ کتابخانهٔ ملی (برگ ۵۳۳)، «یک هزار پسرش باشد و همهٔ دنیا باسرها دارد» درست است.

ص ۱۵۹، س ۴: دارلغرا

\* غلطِ مطبعی است و درست آن دارالفرار است.

ص ۱۷۱، س ۱۷: این بدن که عالمِ اوّل بود همان بدن است که در این سال هست.

\* عالمِ نادرست و عام (= سال) درست است.

ص ۱۷۲، س آخر: هر جزوی از اجزای آن به دل و به عنصر او می‌پیوندند...

\* به دل نادرست و ضبطِ درست بدل است (نک. متن عربی رساله، ص ۳۵۸).

ص ۱۷۴، س ۱۷: چنانچه طرفی از شراب حماض ...

\* احتمالاً غلطِ مطبعی است. ظرفی درست است.

ص ۱۷۹، س ۴: نشاهِ ثانیه

\* نشاهِ نادرست و نشاهُ درست است.

ص ۹: خدای عزّوجلّ را ملائکه خطاب کرد ... ائی جاعل ...

\* را ملائکه نادرست و ملائکه را درست است.

ص ۱۸۰، س ۳: واجب است که مجتمع باشد اجزای این بدن با مجموع لایق و محل شوند هر نفس را ...

\* یا نادرست و تا درست است.

ص ۱۸۷، س ۴: و شرایع و نصوص کلام الهی است که در آن تصوّف نتوان کرد...

\* تصوّف نادرست و تصرف درست است.

س ۱۱: مانند ن معامله ...

\* ن معامله نادرست و آن معامله درست است.

س ۱۲: آنچه تو گفتی مانند آن معامله و تجارت اولین است ...

\* مانند نادرست و مانندِ درست است.

ص ۱۸۸، س ۱۲: آفرینندهٔ او خداست تعالی، و سبب قوّت او پدر و مادر ...

\* قوّت نادرست و قوت (= خوراک) درست است.

- ص ۱۸۹، س ۲۱: و سبب وجو فرزندان او ...  
 \* وجو نادرست و وجود درست است.
- ص ۱۹۰، س ۱۶: و دعوی که ما کردیم و می‌کنیم دشواری آید ...  
 \* دشواری آید نادرست و دشوار می‌آید درست است.
- ص ۱۹۱، س ۱۰: لیکن بنیت و نشان و گواه ...  
 \* بنیت نادرست و، به قرینه «نشان و گواه»، بنیت درست است.
- ص ۲۴۱، س ۱۳: چه با درنش پنجه زدن و باکوه مناطحه ...  
 \* درنش نادرست و درفش درست است.
- ص ۲۴۲، س ۱۰: سوری که جدّ اعلی و معظمان سوک ایشان بود ...  
 \* چنانکه از ترجمه عربی (ص ۲۴۴) بر می‌آید، معظمان ملوک درست است.
- ص ۲۴۵، س ۱۰: سالم الغوری  
 \* سالم الغوری نادرست و سام الغوری درست است.
- ص ۲۶۲، س ۱۳: چوهری  
 \* چوهری نادرست و جوهری درست است.
- ص ۲۶۳، س ۷: جمله فارسی مستخلص کرد ...  
 \* فارسی نادرست و فارسی درست است، همان‌گونه که در ترجمه عربی (ص ۲۴۷) آمده است.
- ص ۲۶۴، س ۱۸: بسر او بردانایت  
 \* بر طبق آوانویسی این نام، پسر او برداناتپ درست است.
- ص ۲۶۶، س ۴: اذنت [دیو]  
 \* بر طبق آوانویسی، اوئت درست است.
- س ۲۰: بتختانه  
 \* بتختانه نادرست و بتخانه درست است.
- ص ۲۶۷، س ۸: سوهه دیو.  
 \* بر طبق آوانویسی، شوهه دیو درست است.
- ص ۲۷۰، س ۱ و ص ۲۷۲، س ۸: به ترتیب: کاشی پیرانت، کاشی پرزاند  
 \* هر دو ضبط مصحّف و محرّف و، بر طبق آوانویسی (Kaśyopa Prajapati)، پرزایت درست است.
- س ۲: تریسنگ

\* با توجه به آوانویسی (Triṣanku)، **تریسنگ** درست است. در همین صفحه در سطر ۱۲ نیز **تریسنگ** ضبط شده است.

ص ۲۷۹، س ۳ و ۴: **تریساتوک**

\* **تریساتوک** نادرست و **تریساتیوگ** درست است.

### پی‌نوشت‌ها

۱. در باور هندوان، عمر جهان به چهار دوره (yug) تقسیم می‌شده است:

کریته یوگا	krita yuga	۱,۷۲۸,۰۰۰ سال
تریساتیوگا	treta yuga	۱,۲۹۶,۰۰۰ سال
دوایتر یوگا	dwāpara yuga	۸۶۴,۰۰۰ سال
کلی یوگا	kali yuga	۴۳۲,۰۰۰ سال
۲. بنابراین، مجموع عمر جهان، به باور هندوان، ۳۲۰,۰۰۰,۰۰۴ سال است (Sanskrit-English Dic., p.854; Dowson, p.381)
۳. اشاره است به رساله پاتنجالی منسوب به فیلسوفی به همین نام، بنیانگذار مکتب پاتنجالا و سامان‌دهنده فنون یوگا.
۴. «ن» آخر مصحف «ب» یا «پ» و خطای نسخه‌نویسان است. برهمه گوپته (Brahma – gupta) نام ستاره-شناس هندی قرن هفتم میلادی است که رساله برهمه گوپته سیئاتته را در نجوم تألیف کرده است، (تحقیقی مالهند، ص ۱۹۸، ۲۰۰، p.59, Dowson).
۵. مصححان (یا مصحح) هندی تحقیق مالهند در نسخه بدل «شرق» نیز داشته‌اند اما، با آگاهی جغرافیایی، «غرب» را مرجح دانسته‌اند.
۶. «قی» پایانی مصحف «و» و خطای نسخه‌نویس است. این کلمه در آغاز صفحه ۲۴ درست ضبط شده است.
۷. ق نشانۀ واو فارسی است. ضبط جامع‌التواریخ، به احتمال قوی، مفار بوده و «●» در معار مصحف «ح» است. در نسخه کتابخانه ملی (ص ۵۰۹) نیز مفار خوانده می‌شود.
۸. سؤال‌الرّیح در زبان عربی بر جهت باد اطلاق می‌شود که درخور یافتن متن نیست. ضبط درست سؤال‌الرّیح، نام شهری در هند، است. ضبط درست **کرک** نیز **کرگ** (= کوتاه شده کرگدن) است.
۹. **شُوخَط** نام درختی است با چوب محکم که از آن کمان می‌ساخته‌اند و **شُوخَط** به معنای **خوشه** است (لغت‌نامه دهخدا).
۱۰. en- پایانی نشانۀ جمع آلمانی است. کارل یان ال را در **الغور** «ال تعریف» گرفته و اصل کلمه را **غور** دانسته است. اما غوران یا غوریان در دستگاه مغولان هیچ‌گاه سمت کارگزاری نداشته‌اند. در حالی که **ایغوران** این سمت را، در ایران و چین و دیگر جاها، نزد فرمانروایان مغول دارا بوده‌اند. لذا ضبط **ختایی** و **ایغوری** درست است.

### منابع

۱. تحریر تاریخ و صاف؛ عبدالمحمد آیتی؛ تهران: ۱۳۷۲.
۲. لسان العرب، ابن منظور؛ نسقه و علق علیه علی شیری؛ بیروت: ۱۹۸۸.
۳. منتخب‌التواریخ؛ عبدالقادر بدائونی؛ تصحیح مولوی احمد علی صاحب؛ با مقدمه توفیق ه. سبحانی، تهران: ۱۳۸۰.

۴. قرون وسطی مین هندوستانی تهذیب؛ بهادر مهامهو پاداهیائی شنکر؛ ترجمه اردو منشی پریم چند؛ الله‌آباد: ۱۹۳۱.
۵. تحقیق ماللهند؛ ابوریحان بیرونی، قم: ۱۳۷۶.
۶. تاریخ بیهقی، ابوالفضل بیهقی؛ تصحیح علی اکبر فیاض؛ مشهد: ۱۳۵۶.
۷. تاج‌الاسامی؛ تصحیح علی اوسط ابراهیمی؛ تهران: ۱۳۶۷.
۸. تاریخ جهانگشای؛ عطاملک جوینی؛ تصحیح محمد قزوینی؛ تهران: ۱۳۶۷.
۹. جامع التواریخ؛ رشیدالدین فضل‌الله همدانی؛ نسخه خطی ۱۶۰۶ کتابخانه ملی (تهران).
۱۰. \_\_\_\_\_؛ رشیدالدین فضل‌الله همدانی؛ تصحیح محمد روشن و مصطفی موسوی، تهران: ۱۳۷۳.
۱۱. ادیان و مکتب‌های فلسفی هند؛ داریوش شایگان؛ تهران: ۱۳۷۵.
۱۲. تاریخ فیروزشاهی؛ ضیاء‌الدین برنی؛ تصحیح شیخ عبدالرشید علی گد<sup>ط</sup>، ج ۱، ۱۹۵۷.
۱۳. فرهنگ نفیسی (فرونوسار)، تهران: بی‌تا.
۱۴. تاریخ اولجاتیو؛ ابوالقاسم عبدالله کاشانی؛ به اهتمام مهین همبلی، تهران: ۱۳۴۸.
۱۵. لغت‌نامه، دهخدا (لوح فشرده)، روایت دوم.
۱۶. طبقات ناصری؛ مهناج سراج، ابوعمر عثمان بن محمد جوزجانی؛ تصحیح عبدالحی حبیبی؛ تهران: ۱۳۶۳.
۱۷. مهابهاراتا؛ ترجمه میرغیاث‌الدین علی قزوینی؛ تصحیح سیدمحمدرضا جلالی نائینی و ن. س. شوکلا؛ تهران: ۱۳۸۰.
۱۸. تاریخ وصاف؛ وصاف شیرازی، فضل‌الله بن عبدالله؛ تهران: ۱۳۳۸.
۱۹. هندو کلاسیکل دکشنری، دلوی بهائی؛ لاهور: ۱۸۹۴.
۲۰. معجم‌البلدان؛ یاقوت بن عبدالله الحموی؛ بیروت: ۱۹۷۹.
۲۱. پشت‌ها؛ ترجمه ابراهیم پوردادو؛ تهران: ۱۳۵۶.
22. Dowson, John, *A Classical Dictionary of Hindu Mythology*, London, 1979.
23. Elliot, H. M. (Sir), *The History of India, VIII vols*, London, 1877.
24. Lessing, F. D., *Mongolian-English Dictionary*, Blooming – ton, 1982.
25. Mackenzie, D. A., *Indian Mythard Legend*, London, 1913.
26. *The Seeker's Glossary of Buddhism*, New York, 1998.
27. Williams, M. M. A., *Sanskrit – English Dictionary*, Oxford, 1979.